خبر

شیخ نعیم قاسم:

آمریکا بداند آسمان به زمین بیاید مقاومت از خود دفاع می‌کند

دبیرکل حزب‌الله لبنان امروز- شنبه- طی سخنرانی در گردهمایی فاطمیون به مناسبت ولادت حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) تأکید کرد این مرحله جدید، رویکرد متفاوتی را می‌طلبد. اکنون دولت مسؤول حاکمیت، حفاظت از لبنان، بیرون راندن اشغالگران و استقرار ارتش است.

به گزارش ایسنا، شیخ «نعیم قاسم» دبیرکل حزب‌الله لبنان در مراسم واحد فعالیت زنان در این حزب گفت: ما گرد هم می‌آییم تا تعهد خود را به مقاومت، حزب‌الله و میراث سید شهیدان امت، بنیانگذار این جنبش و کسی که تمام جنبه‌های متنوع آن را بر اساس اصول اصیل اسلامی روشن کرد، مجدداً تأکید کنیم. حضرت زهرا (س) الگوی زنان در سطح جهان و الگویی برای اجرای اسلام اصیل محمدی است. ما امروز گردهم آمده‌ایم تا بار دیگر بیعت خود را با مقاومت، حزب‌الله و شهید سید حسن نصرالله، سرور شهیدان امت، بنیانگذار این مسیر و کسی که تمام جوانب مختلف آن را بر اساس اصول اصیل اسلامی روشن می‌کند، تجدید کنیم.

نعیم قاسم گفت: من به زنان مقاومت و تمام زنانی که در جامعه ما زندگی می‌کنند افتخار می‌کنم. این زنان پرچم عزت و اخلاق و ملی گرایی هستند. زنان باید در تمام عرصه‌ها به ویژه در تربیت خانواده و حمایت از مقاومت سرآمد باشند. زنان شریک آینده وطن ما لبنان و نسل‌های آتی هستند.

نعیم قاسم ادامه داد: دولت مسؤول تثبیت حاکمیت و استقلال لبنان است. هر بحثی که ما را به دوره قبل از توافق برگرداند و از شواهد قبل از توافق استفاده کند، بی‌ارزش است زیرا ما با مرحله جدیدی روبه‌رو هستیم و بنابراین می‌خواهیم در مورد این مرحله جدید قضاوت کنیم. - فرمانده یونیفل گفت که ما هیچ مدرکی نداریم که نشان دهد حزب‌الله در حال بازسازی خود در جنوب رودخانه لیطانی است و اسرائیل آشکارا آتش‌بس را نقض می‌کند. - توافق‌نامه از طرف لبنان به طور کامل اجرا می‌شود، در حالی که از طرف اسرائیل هیچ پیشرفتی در جهت اجرا وجود ندارد. مقاومت به تمام اقدامات مربوط به اجرای اتش‌بس و کمک به دولت عمل کرد. هر بحث و صحبتی که ما را به قبل از توافق بازگرداند ارزش ندارد.

دبیرکل حزب‌الله لبنان افزود: ما هر کاری که اسرائیل پس از توافق انجام می‌دهد را ادامه تجاوز می‌دانیم و این خطری نه تنها برای ما، بلکه برای لبنان است. دستاوردهای مقاومت با آنچه آزاد کرده سنجیده می‌شود. بازدارندگی در برابر دشمن یعنی کاری که حزب‌الله انجام داده، یک استثنا است. مقابله با دشمن وظیفه دولت و ارتش است اما وظیفه مقاومت پشتیبانی و کمک به آزادسازی است. مقاومت با استراتژی دفاعی برای استفاده از قدرت و مقاومت لبنان موافق است اما برای هیچ چارچوبی از تسلیم شدن در برابر آمریکا و اسرائیل آماده نیست.

وی تأکید کرد:از مقاومت خواسته می‌شود که ایمان و آمادگی خود را برای فداکاری نشان دهد و از آن خواسته می‌شود که ادامه دهد، اما از آن خواسته نمی‌شود که از تجاوز جلوگیری کند. - بازدارندگی، که به معنای جلوگیری از تجاوز و در نتیجه محافظت در برابر دشمن از انجام یک اقدام خاص است، وظیفه مقاومت نیست؛ بلکه وظیفه دولت و ارتش است. - وظیفه مقاومت حمایت از دولت و ارتش، آزادسازی و مقابله با آن در زمانی است که دولت و ارتش در انجام این کار کوتاهی می‌کنند. - وظیفه مقاومت حمایت و جلوگیری از تثبیت قدرت دشمن و کمک به آزادسازی است. حفاظت از لبنان در وهله اول بر عهده مرجع سیاسی است، نه مقاومت.

نعیم قاسم با اشاره به اینکه مشکل دولت، انحصار سلاح برای شکوفایی و توسعه دولت نیست گفت: پیشنهاد انحصار سلاح، یک خواسته آمریکایی-اسرائیلی است. این منطق انحصار سلاح، از بین بردن قدرت لبنان خواهد بود. مشکل دولت، تحریم‌های اعمال شده بر آن و فساد گسترده است. با تسلیم شدن، لبنانی باقی نمی‌ماند.

آیا اروپا و ناتو، جنگ سایه سایبری را به روسیه گسترش می‌دهند؟

عملیات سایبری اروپا علیه روسیه

اتحادیه اروپا و ناتو عملاً از خط قرمز دفاع سایبری گذر کرده و وارد فاز عملیات سایبری تهاجمی سازمان‌یافته علیه زیرساخت‌های حیاتی نظامی روسیه شدند. این تحول تنها یک واکنش تلافی‌جویانه نیست، بلکه نشانگر یک دگرگونی فلسفی در اندیشه امنیتی غرب است. محور اصلی این تهاجم دیجیتال، کارخانه پهپادسازی «آلابوگا» در تاتارستان است که پاسخی مستقیم به افزایش بی‌سابقه و چندوجهی حملات هیبریدی روسیه علیه اروپا محسوب می‌شود. آیا اروپا و ناتو، جنگ سایه سایبری را به روسیه گسترش می‌دهند؟

از منظر عملیاتی-نظامی، این حمله نشان می‌دهد که اطلاعات غرب از زنجیره تأمین نظامی روسیه به سطحی بی‌سابقه از دقت رسیده است

به گزارش خبرآنلاین حرکت هماهنگ و آشکار اروپا و ناتو به سمت عملیات سایبری تهاجمی علیه اهداف نظامی-صنعتی روسیه، که در ۲۷ نوامبر ۲۰۲۵ با گزارش‌های خبری درباره برنامه‌ریزی برای حمله به تأسیسات استراتژیکی مانند کارخانه پهپادسازی «آلابوگا» آشکار شد، یک رویداد صرفاً امنیتی نیست. این اقدام، یک «اعلامیه سیاسی-استراتژیک» سنگین‌وزن است که پایانی نمادین بر دوره پساجنگ سردی محسوب می‌شود؛ دوره‌ای که در آن غرب عمدتاً بر بازدارندگی دفاعی و پاسخ‌های تنبیهی پس از وقوع حادثه تکیه داشت.

امروز، رهبران اروپایی مانند گیدو کروستو، وزیر دفاع ایتالیا، آشکارا از ضرورت «عدم ترس از تشدید» سخن می‌گویند. این گفتمان جدید، ریشه در یک تشخیص تلخ جمعی دارد: رویکردهای دیپلماتیک و تحریمی در مهار رفتار تهاجمی روسیه ناکام مانده‌اند و حملات هیبریدی مسکو نه به عنوان استثنا، بلکه به عنوان قاعده جدید تعامل آن با غرب تثبیت شده است.

این تحول استراتژیک در واکنش به موج بی‌وقفه و فزاینده حملات هیبریدی روسیه شکل گرفته است. آمارهای مراکز مطالعات راهبردی بین‌المللی حاکی از افزایشی حدود پنجاه درصدی در حجم و پیچیدگی این حملات از زمان آغاز تهاجم تمام‌عیار به اوکراین در سال ۲۰۲۲ است. این حملات دیگر صرفاً جاسوسی سایبری یا نشت اطلاعات نیستند؛ آن‌ها حالا شکل «خرابکاری زیر آستانه جنگ تمام‌عیار» را به خود گرفته‌اند. هدف، نه صرفاً کسب اطلاعات، بلکه ایجاد اختلال ملموس در زندگی روزمره، تضعیف اعتماد عمومی به نهادهای دولتی، افزایش هزینه‌های اقتصادی و آزمودن تاب‌آوری اجتماعی و سیاسی کشورهای عضو ناتو است. این گزارش، با اتکا به سه دهه تجربه در تحلیل میدان‌های نبرد ژئوپلیتیکی و رصد تحولات امنیتی اوراسیا، قصد دارد نه تنها به شرح این تحول جدید بپردازد، بلکه لایه‌های پنهان آن را کالبدشکافی کند.

پرسش محوری این است: این تغییر پارادایم از دفاع به تهاجم سایبری، چگونه ماهیت اتحاد ناتو، تعریف حاکمیت ملی در عصر دیجیتال، و پویه‌های بازدارندگی در قرن بیست‌ویکم را بازتعریف می‌کند؟ و آیا این حرکت، غرب را به سمت یک بازدارندگی پایدار رهنمون می‌سازد، یا به دام چرخه معیوب و خطرناک تشدید متقابل می‌اندازد که می‌تواند به درگیری مستقیم غیرقابل کنترل بینجامد؟

از منظر عملیاتی-نظامی، این حمله نشان می‌دهد که اطلاعات غرب از زنجیره تأمین نظامی روسیه به سطحی بی‌سابقه از دقت رسیده است. هدف‌گیری یک کارخانه خاص، مستلزم شناخت عمیق از معماری شبکه‌های صنعتی (آی‌تی/آی‌اوتی)، نقاط آسیب‌پذیر نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، و حتی زمان‌بندی خطوط تولید است. موفقیت چنین عملیاتی می‌تواند تأثیری مستقیم و فوری بر میدان نبرد اوکراین داشته باشد و فشار لجستیکی بر نیروهای روس را افزایش دهد. این نشان می‌دهد که جنگ سایبری دیگر یک جبهه موازی و جداگانه نیست، بلکه به طور کامل با جبهه نبرد فیزیکی درهم تنیده شده است.

از منظر راهبردی-سیاسی نیز، این اقدام گذار اروپا از وضعیت یک «قربانی منفعل» حملات سایبری به یک «بازیگر تهاجمی فعال» با قدرت آتش بالا را کامل می‌کند. این تغییر، یک محاسبه روانشناختی مهم نیز در خود دارد: نشان دادن به کرملین که غرب نه تنها قادر است حملات را دفع کند، بلکه می‌تواند درد و هزینه را به درون مرزهای روسیه و قلب بخش‌های حساس اقتصاد نظامی آن منتقل کند. این امر، منطق سنتی «پناهگاه امن جغرافیایی» روسیه را در برابر حملات غربی به چالش می‌کشد.

با این حال، این گام خطرات عظیمی به همراه دارد. اولاً، هدف قرار دادن زیرساخت‌های صنعتی-نظامی، به طور سنتی در منطقه خاکستری بین جنگ و صلح قرار داشته و نزدیک به خط قرمز «استفاده از زور» در منشور ملل متحد است. ثانیاً، این اقدام ممکن است مسکو را به این نتیجه برساند که قواعد بازی به طور کامل شکسته شده و آن‌ها نیز مجاز به هدف‌گیری مشابه زیرساخت‌های حیاتی غیرنظامی یا انرژی اروپا هستند. پاسخ روسیه ممکن است لزوماً متقارن و سایبری نباشد، بلکه می‌تواند به شکل افزایش شدت حملات فیزیکی نیابتی در اروپا یا تشدید بحران‌های مهاجرتی باشد. بنابراین، هدف‌گیری «آلابوگا» یک بازی با ریسک بسیار بالا است که موفقیت آن منوط به ایجاد بازدارندگی مؤثر، بدون ورود به مارپیچ تشدید ویرانگر است.

افزایش حملات هیبریدی روسیه: منطق «تخریب زیر آستانه» و آزمون تاب‌آوری دموکراسی‌ها

اقدام تهاجمی اروپا در واکنش به یک واقعیت جدید و خطرناک شکل گرفته است: ظهور یک دکترین هیبریدی نظام‌یافته روسیه که هدف آن فلج کردن غرب بدون ورود به جنگ کلاسیک است. این حملات دیگر پراکنده و تصادفی نیستند، بلکه از یک منطق واحد پیروی می‌کنند: «تخریب زیر آستانه واکنش شدید متقابل». این مفهوم به این معناست که مسکو مجموعه‌ای از اقدامات (سایبری، اطلاعاتی، خرابکاری فیزیکی، فشار اقتصادی) را به کار می‌گیرد که هر کدام به تنهایی ممکن است برای توجیه یک پاسخ نظامی تمام‌عیار ناتو کافی نباشد، اما در مجموع، هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی غرب را به سطحی غیرقابل تحمیل می‌رساند.

نقش ناتو و اتحادیه اروپا: نهادینه‌سازی «تلافی مشترک» و معماری جدید امنیت سایبری

از سوی دیگر ناتو و اتحادیه اروپا در حال تبدیل این تغییر پارادایم از یک واکنش موردی به یک قابلیت نهادینه شده دائمی هستند. این فرآیند از چند جهت حیاتی است:

چارچوب‌سازی سیاسی و حقوقی: بزرگترین چالش برای دموکراسی‌ها در انجام عملیات سایبری تهاجمی، نه فنی، که سیاسی-حقوقی است. سؤال‌های بزرگی مانند مجوز استفاده از این قابلیت (چه کسی، در چه شرایطی، با چه هدفی)، تناسب پاسخ با حمله اولیه، و رعایت قوانین بین‌المللی بشردوستانه در فضای سایبری، نیازمند پاسخ‌های روشن جمعی است. ناتو و اتحادیه اروپا در حال کار بر روی ایجاد این چارچوب‌ها هستند تا پاسخ‌ها را از اقدامات ضربتی و احساسی به عملیات مشروع، حساب‌شده و دارای پشتوانه اجماع اعضا تبدیل کنند.

تقسیم کار و تخصصی‌سازی: ظرفیت‌های مختلفی در اختیار بازیگران مختلف است. ممکن است یک کشور دارای توانمندی فنی بالا برای نفوذ (مثلاً از طریق آژانس‌های اطلاعاتی) باشد، در حالی که کشور دیگری دارای اطلاعات هدف‌گیری دقیق است، و سومی پوشش سیاسی و دیپلماتیک را فراهم می‌کند. نهادهای غربی در حال ایجاد سازوکارهایی برای هماهنگی مؤثر این قابلیت‌های پراکنده تحت یک چتر استراتژیک واحد هستند.

تقویت «انتساب سریع» به عنوان ابزار بازدارندگی: فعال‌سازی «مرکز ضد هیبرید» در هلسینکی و تقویت «نیروی وظیفه تاب‌آوری» ناتو، تنها برای هماهنگی دفاعی نیست. یک هدف کلیدی، تسریع و رسمیت بخشیدن به فرآیند «انتساب» حملات است. هدف این است که بتوان در کوتاه‌ترین زمان ممکن، به صورت عمومی و با ارائه مدارک فنی و اطلاعاتی قوی، مهاجم را شناسایی و معرفی کرد. این کار دو فایده دارد: نخست، مشروعیت لازم برای یک پاسخ تهاجمی را فراهم می‌آورد. دوم، به خودی خود یک ابزار بازدارندگی است، زیرا از «انکارپذیری» که سلاح اصلی مهاجم است، می‌کاهد. این نهادینه‌سازی، جنگ سایبری را از قلمرو مبهم اطلاعاتی به یک حوزه نبرد منظم با قواعد مشخص و پاسخ‌گویی جمعی تبدیل می‌کند.

پیامدهای ژئوپلیتیک: تولد «جنگ سرد سایبری» و بازتعریف نظم بین‌الملل

پیامدهای استراتژی تهاجمی جدید اروپا بسیار فراتر از تبادل حملات دیجیتال خواهد بود و می‌تواند به بازتعریف نظم بین‌المللی بینجامد:

تثبیت منطقه خاکستری پایدار: مرز بین صلح و جنگ به یک «منطقه خاکستری» گسترده و پایدار تبدیل می‌شود که در آن درگیری‌های مداوم زیر آستانه جنگ تمام‌عیار، به «حالت عادی جدید» روابط بین قدرت‌های بزرگ مبدل می‌گردد. این وضعیت، منابع امنیتی، توجه سیاسی و سرمایه اقتصادی کشورها را به طور دائم به خود مشغول می‌کند. تخریب اعتماد و همکاری بین‌المللی: فضای بی‌اعمادی و تقابل دائمی، هرگونه امکان همکاری سازنده بین روسیه و غرب در موضوعات جهانی حیاتی را نابود می‌کند. کنترل تسلیحات، مقابله با تغییرات اقلیمی، مدیریت همه‌گیری‌ها، و امنیت هسته‌ای قربانی این تنش دائمی خواهند شد. جهان به سمت قطبی‌شدن بیشتر و شکل‌گیری بلوک‌های متخاصم سایبری پیش می‌رود.

مسابقه تسلیحاتی سایبری و دامنه‌های جدید: یک مسابقه تسلیحاتی تمام‌عیار در حوزه سایبری، هوش مصنوعی، جنگ الکترونیک و سیستم‌های خودکار آغاز خواهد شد. این مسابقه تنها محدود به دولتها نیست و بخش خصوصی و شرکت‌های فناوری را نیز به طور عمیقی درگیر خواهد کرد. همچنین، احتمال «سرریز» درگیری به فضا (هدف قرار دادن ماهواره‌ها) و دریا (هدف قرار دادن کابل‌های ارتباطی زیردریایی) به شدت افزایش می‌یابد.

بازتعریف حاکمیت در عصر دیجیتال: این درگیری‌ها سؤال‌های بنیادینی را مطرح می‌کنند: حاکمیت ملی در فضای سایبری که مرزپذیر نیست چگونه تعریف می‌شود؟ آیا حمله سایبری به زیرساخت حیاتی یک کشور، مشابه حمله فیزیکی است و حق دفاع مشروع جمعی (ماده ۵ ناتو) را فعال می‌کند؟ پاسخ‌های عملی که به این سؤال‌ها داده می‌شود، تعریف جدیدی از حاکمیت و حقوق بین‌الملل در قرن بیست‌ویکم خواهد بود.

آیا اروپا و ناتو، جنگ سایه سایبری را به روسیه گسترش می‌دهند؟

از این منظر، در یک نظام بین‌المللی آنارشیک که قدرت حرف اول را می‌زند، روسیه با نشان دادن تمایل به استفاده از هر ابزاری (هیبریدی) برای پیشبرد منافع خود، غرب را در یک وضعیت امنیتی دشوار قرار داده بود. تنها راه خروج برای اروپا، نشان دادن قدرت معادل و تمایل به ریسک‌پذیری برای حفظ یا بازیابی موازنه قوا بود. این یک محاسبه سرد قدرت‌محور است که در آن امنیت بر هر ملاحظه دیگری اولویت دارد.

این در حالی است که گفتمان جدید رهبران اروپایی که از «عدم ترس از تشدید» سخن می‌گویند، در حال ساخت یک هویت جدید برای اروپا است: نه یک «قدرت مدنی» صلح‌طلب، بلکه یک «قدرت استراتژیک» قادر به دفاع از خود با همه ابزارها. این تغییر گفتمان، به نوبه خود، برداشت روسیه از اروپا را به عنوان یک حریف جدی‌تر تقویت می‌کند و چرخه دشمن‌سازی را تشدید می‌نماید. هنجار قدیمی «محدودیت در استفاده تهاجمی از سایبر» در حال فرسایش است و هنجار جدید «پاسخ متناسب تهاجمی» در حال شکل‌گیری است.

در مجموع، عملیات سایبری تهاجمی اروپا علیه روسیه، تنها یک تغییر تاکتیکی نیست؛ یک انقلاب استراتژیک است که پیامدهای آن برای نظم بین‌المللی تعیین‌کننده خواهد بود. این اقدام نشان می‌دهد که صبر غرب در قبال جنگ هیبریدی روسیه به پایان رسیده و پارادایم امنیتی مبتنی بر تاب‌آوری منفعل، جای خود را به یک استراتژی فعال مبتنی بر «بازدارندگی از طریق انکار و تنبیه» داده است. موفقیت یا شکست این استراتژی جدید به چند عامل حیاتی وابسته است:

اول، وحدت و انسجام بلندمدت میان اعضای ناتو و اتحادیه اروپا محک خواهد خورد. فشارهای سیاسی داخلی، اختلاف در میزان تمایل به ریسک (کشورهای خط مقدم در مقابل کشورهای غربی‌تر)، و لابی‌های اقتصادی که خواهان عدم تشدید روابط با روسیه هستند، می‌توانند این اتحاد را تضعیف کنند. مقاومت در برابر «خستگی استراتژیک» کلید موفقیت است.

دوم، برتری فنی و اطلاعاتی یک پیش‌شرط مطلق است. عملیات تهاجمی ناموفق یا با اثر محدود، نه تنها بازدارندگی ایجاد نمی‌کند، بلکه ضعف غرب را آشکار ساخته و روسیه را به تشدید بیشتر تشویق می‌کند. همچنین، توانایی دفاع سایبری در سطحی بسیار بالا ضروری است تا از پاسخ‌های ویرانگر متقابل روسیه جلوگیری شود.

سوم و مهم‌تر، نیاز به یک «دیپلماسی سایبری» نوآورانه و قوی احساس می‌شود. جنگ سایبری را نمی‌توان تنها با ابزارهای فنی و نظامی مدیریت کرد. غرب نیازمند ایجاد مکانیسم‌های شفاف (ولو غیررسمی) برای ارتباط با مسکو در مورد قواعد درگیری در فضای سایبری است. تعریف مشترک از خطوط قرمز (مثلاً عدم هدف‌گیری زیرساخت‌های حیاتی غیرنظامی مانند بیمارستان‌ها یا سدها)، ایجاد «خطوط تلفن قرمز» سایبری برای جلوگیری از سوءتفاهم در بحران‌ها، و حتی بحث درباره امکان توافق‌های «عدم حمله اول» در برخی حوزه‌های خاص، می‌تواند از تبدیل این درگیری به یک فاجعه تمام‌عیار جلوگیری کند.

در تحلیل نهایی؛ در «جنگ سایه‌ها» که اروپا و ناتو اکنون به عمد وارد آن شده‌اند، نابودی حریف به معنای پیروزی نیست. ماهیت به هم پیوسته و شکننده جهان امروز به این معناست که آوار یک درگیری سایبری تمام‌عیار بر سر اقتصاد جهانی، ثبات سیاسی و امنیت انسانی همه کشورها — از جمله خود طرفین درگیری — فرود خواهد آمد. هدف غایی باید نه پیروزی در یک نبرد تهاجمی، بلکه تحقق یک «بازدارندگی پایدار مبتنی بر قدرت ملموس و دیپلماسی هوشمند» باشد که فضای سایبری را به عرصه‌ای امن‌تر برای همه — و نه میدان نبرد دائمی قدرت‌های بزرگ — تبدیل کند. تحقق این هدف، سخت‌ترین آزمون رهبری و فراست استراتژیک غرب در دهه‌های اخیر خواهد بود.

اخبار

سفیر پکن در تهران:

در سال‌های اخیر شاهد تبادلات چشمگیری میان ایران و چین بوده‌ایم

سفیر چین در ایران گفت: در شرایط کنونی نظام بین‌الملل که یک‌جانبه‌گرایی رو به افزایش است، اهمیت روابط پکن و تهران بیش از پیش آشکار شده است.

به گزارش ایسنا، «ژونگ پیوو »سفیر جمهوری خلق چین در ایران صبح روز شنبه در افتتاحیه سومین مجمع گفت‌وگوهای ایران- چین که در مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه ایران برگزار شده بود، خاطرنشان کرد: برگزاری این اجلاس در مقطع زمانی کنونی، برای هر دو کشور چین و ایران بسیار حائز اهمیت است.

وی افزود: ایران و چین در سطح عالی، از جمله دیدار رؤسای جمهور دو کشور در پکن، به تفاهمات مهمی دست یافته‌اند. سال ۲۰۲۶ پنجاه‌وپنجمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک ایران و چین خواهد بود. از آغاز این روابط تاکنون، تحولات مثبت و منافع متقابلی برای دو کشور به همراه داشته و نقش مهمی در صلح و ثبات منطقه ایفا کرده است.

این دیپلمات ارشد چینی خاطرنشان کرد: حفظ جهت‌گیری درست روابط و تقویت اعتماد سیاسی متقابل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در شرایط کنونی نظام بین‌الملل که یک‌جانبه‌گرایی رو به افزایش است، اهمیت روابط چین و ایران بیش از پیش آشکار شده است.

سفیر چین تاکید کرد: امیدوارم اساتید و پژوهشگران منافع دو ملت را به‌درستی درک کرده، به شناخت عمیق‌تر جوامع دو کشور کمک کنند و در تحکیم روابط دوجانبه نقش‌آفرینی مؤثری داشته باشند.

این دیپلمات ارشد چینی در ایران خاطرنشان کرد: در دومین نشست کمیته مرکزی چین، بر نوآوری در حوزه تجارت تأکید شد و ابتکار «کمربند و راه» با کیفیتی بالاتر دنبال خواهد شد. مشاهده اتوبوس‌های برقی در خیابان‌های تهران نمونه‌ای روشن از همکاری چین و ایران در حوزه توسعه سبز است. همچنین پژوهشگران می‌توانند در ارتقای کیفیت همکاری‌ها در حوزه‌های مختلف نقش مهمی ایفا کنند.

وی با بیان این که «ابتکارهای چندجانبه و همکاری‌های جنوب جهانی اهمیت فزاینده‌ای یافته‌اند»، افزود : ابتکار «کمربند و راه» حدود سه‌چهارم کشورهای جنوب جهانی و بیش از ۱۰۰ کشور را در بر می‌گیرد و بسیاری از کشورها علاقه‌مند به همکاری در این چارچوب هستند. ایران نیز به‌عنوان یکی از کشورهای مهم جنوب جهانی می‌تواند نقش فعالی ایفا کند. همچنین تقویت همکاری‌ها در چارچوب سازمان همکاری شانگهای از اهمیت بالایی برخوردار است.

«ژونگ پیوو» تصریح کرد : چین و ایران از ظرفیت‌ها و منافع غنی برخوردارند و در سال‌های اخیر شاهد تبادلات چشمگیری میان دو کشور بوده‌ایم. تعاملات فرهنگی، از جمله نمایشگاه راه ابریشم، به‌خوبی تبادلات فرهنگی ایران و چین را به نمایش گذاشته است.

وی در بخش پایانی صحبت‌های خود گفت : امیدوارم پژوهشگران با انتقال پیام‌های دوستی و گسترش تبادلات مردمی، به تعمیق روابط دو کشور کمک کنند و با ارائه پیشنهادهای سازنده، دوستی ایران و چین را بیش از پیش تقویت کنند .

آمریکا برخی از تحریم‌های بلاروس را لغو می‌کند

فرستاده ویژه آمریکا در بلاروس گفت واشنگتن قصد دارد تا برخی از تحریم‌های تجاری علیه این کشور از جمله صادرات پتاسیم بلاروس را لغو کند.

به گزارش ایسنا، «جان کوآله» فرستاده ویژه آمریکا با بیان اینکه این تحریم‌ها بلافاصله مطابق با دستورات دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا لغو خواهند شد، این تصمیم را یک تحول مثبت برای بلاروس خواند.

خبرگزاری بلتا به نقل از این دیپلمات آمریکایی اعلا کرد: او با «الکساندر لوکاشنکو» رئیس جمهور بلاروس در مورد وضعیت اوکراین و ونزوئلا و همچنین راه‌های عادی‌سازی روابط بین واشنگتن و مینسک گفت‌وگو کرد. وی خاطرنشان کرد، این گفت‌وگو بسیار خوب بود و آنها درباره آینده و راه‌های ایجاد روابط حسنه بین آمریکا و بلاروس صحبت کردند. فرستاده ویژه آمریکا در ادامه و پس از مذاکرات روز (شنبه) به خبرنگاران گفت: رئیس‌جمهور بلاروس سابقه طولانی در روابط با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه دارد و به همین دلیل در مورد روند حل و فصل اوکراین توصیه‌های خوبی ارائه می‌دهد.

رهاورد سفر پزشکیان از ترکمنستان چه بود؟

ایران در قلب گفت‌وگوی آسیای میانه

حضور «مسعود پزشکیان» رئیس‌جمهور ایران در کنفرانس بین‌المللی «صلح و اعتماد» در عشق‌آباد، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای دیپلماتیک منطقه‌ای در پایان سال جاری میلادی، بازتاب گسترده‌ای داشت و فرصتی تازه برای تقویت نقش ایران در گفت‌وگوهای چندجانبه و همکاری‌های منطقه‌ای فراهم کرد.

به گزارش ایرنا، در حاشیه این کنفرانس، پزشکیان با چندین مقام بلندپایه کشورهای شرکت‌کننده دیدارهای دوجانبه‌ای برگزار و بر تقویت همکاری‌های اقتصادی، امنیتی و حمل‌ونقل منطقه‌ای تاکید کرد. کارشناسان دیپلماتیک معتقدند که این سفر می‌تواند نقش ایران را در گفت‌وگوی منطقه‌ای و تقویت ثبات آسیای میانه برجسته‌تر کند و موقعیت تهران را به‌عنوان بازیگری فعال در امنیت و توسعه منطقه تثبیت نماید.

تمرکز سخنرانی؛ صلح پایدار و همگرایی چندجانبه

پزشکیان در سخنرانی خود در اجلاس «صلح و اعتماد» که با مشارکت سران و مقام‌های بلندپایه کشورهای منطقه از جمله روسیه، ترکیه، قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان و دیگر کشورهای آسیای میانه برگزار شد، با تأکید بر اهمیت صلح واقعی فراتر از شعار، گفت که «صلح امروز در عمل به یک امتیاز برای برخی از مناطق محدود تبدیل شده و دیگر یک حق همه‌جانبه جهانی نیست.» وی تأکید کرد که دستیابی به صلح پایدار تنها از مسیر برخورد با علل بنیادین ناپایداری همچون نابرابری، تبعیض و انحصار ممکن است و افزایش بودجه‌های نظامی یا اتحادهای دوجانبه سخت‌افزاری به‌تنهایی نمی‌تواند صلح واقعی را تضمین کند.

پزشکیان همچنین خواستار تقویت همکاری‌های چندجانبه، احترام به قواعد بین‌المللی و پایبندی به منشور سازمان ملل متحد شد و تأکید کرد که توسعه روابط صلح‌آمیز میان ملت‌ها نیازمند اعتماد و تعامل برابر است، نه یکجانبه‌گرایی یا زورگویی.

پیام ایران درباره صلح و اعتماد؛ نقش جمعی و دیپلماسی فعال

رئیس‌جمهور ایران در دیدارهای دوجانبه خود با مقامات کشورهای شرکت‌کننده از جمله با رئیس‌جمهور ترکمنستان، بر اهمیت اعتماد متقابل به‌عنوان پایه و اساس برای صلح و ثبات منطقه‌ای تأکید کرد و ضمن تبریک به مناسبت سی‌امین سالگرد بی‌طرفی دائمی ترکمنستان، همکاری‌های تهران – عشق‌آباد را در مسیر تقویت پیوندهای صمیمانه دانست.

در دیدار با رئیس‌جمهور ترکمنستان، پزشکیان بر اجرای توافقات مشترک و افزایش اعتماد متقابل تأکید کرد و ضمن تبادل نظر درباره مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، راهکارهایی برای ارتقای همکاری‌های چندجانبه و توسعه پروژه‌های مشترک انرژی و زیرساختی مطرح شد.

دیدار با پوتین و تقویت همکاری با روسیه

یکی از مهم‌ترین دیدارهای حاشیه‌ای پزشکیان در عشق‌آباد، ملاقات با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه بود. در این دیدار دو طرف بر اجرای پیمان جامع راهبردی ایران و روسیه که در ژانویه ۲۰۲۵ (دی ۱۴۰۳) امضا شده، تأکید کردند و پوتین آن را «نقطه عطف» در روابط دوجانبه توصیف کرد.

پزشکیان نیز ضمن ابراز رضایت از روند گسترش روابط بامسکو، آمادگی ایران را برای سرعت بخشیدن به اجرای توافقات مشترک اعلام کرد و خواستار عملیاتی شدن کامل پروژه‌های مشترک زیرساختی، انرژی و حمل‌ونقل شد.

دیپلماسی منطقه‌ای؛ دیدار با مقام‌های دیگر شرکت‌کننده

در ضمن حضور در کنفرانس، رئیس‌جمهور ایران با دیگر مقامات حاضر از جمله نخست‌وزیر پاکستان دیدار کرد که در آن درباره موضوعات امنیتی منطقه‌ای از جمله لزوم اقدام‌های مؤثر در برابر تروریسم گفت‌وگو شد.

همچنین رایزنی‌های جداگانه با مقام‌های آسیای جنوب‌شرق و منطقه‌ای، از جمله نخست‌وزیر میانمار، برگزار و بر پتانسیل گسترش همکاری‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تأکید شد.

دستاوردهای سفر

گزارش‌های تحلیلی از این سفر حاکی از آن است که مشارکت فعال ایران در این کنفرانس، علاوه بر ارتقای نقش تهران در گفت‌وگوی چندجانبه منطقه‌ای، زمینه را برای تقویت همکاری‌های اقتصادی و امنیتی با کشورهای آسیای میانه، روسیه و دیگر همسایگان فراهم کرده است.

کارشناسان معتقدند که این سفر می‌تواند به بهبود روابط اقتصادی، افزایش تبادلات تجاری، توسعه همکاری در حمل‌ونقل و انرژی و تقویت دیپلماسی صلح‌طلبانه ایران منجر شود و همچنین موقعیت تهران را به‌عنوان بازیگری موثر در فرآیندهای گفت‌وگوی جهانی و منطقه‌ای تقویت کند.

کنفرانس صلح و اعتماد ترکمنستان که هر ساله در عشق‌آباد برگزار می‌شود، دیروز جمعه ۱۲ دسامبر (۲۱ آذر) نیز با هدف تقویت همکاری‌های منطقه‌ای، گفت‌وگوی چندجانبه و اعتمادسازی میان کشورهای آسیای میانه و شرکای فرامنطقه‌ای شکل گرفت.

سفر رئیس‌جمهور ایران به قزاقستان پیش از حضور در ترکمنستان، نیز در چارچوب توسعه روابط دوجانبه و تقویت همکاری‌های اقتصادی، انرژی و حمل‌ونقل با آستانه انجام شد.